

از لابلای یادداشت‌ها و نیشتهای روزمره ام

قلب بیمار آسیای میانه:

آیا نجات کشورما از جنگ و درگیری های مسلحانه دشواری باشد؟ پیامدهای کنفرانس "دوشنبه" و مسیرگذار به صلح در افغانستان موضعگیری ها، تضاد منافع و موقف ها درباره نشست ستانبول

طرح های پیشنهادی بمنظور تحقق صلح در کشور
تضاد با سازوکار و مؤلفه های اراده جمعی
وابستگی به ساختارهای سرزمین پدري
وقایع حوادث و مجادله با پیش آمدها

جهان و جهانیان، بویژه در امتداد دو دههٔ پسین، شاهد ویرانی های ناشی از درگیری های مسلحانه با پیامدهای ویرانگری بودند. امروزه، جنگ ها موجب ازهم پاشیدن بخش های بزرگی از جهان می شوند. همانگونه که از نظرسنجی ها برمی آید، تعداد فزاینده ای از مردم، مرگ غیرنظامیان را بمثابة جزلاینفکی از جنگ ها بحساب می آورند. درعین حال، اثر بخشی و تعمیم پذیری کنوا نسیون های ژنیو و پروتوکول های الحاقی که قواعد آنها بدنبال صیانت از غیرنظامیان، زندانیان و مجروحین در زمان جنگ است، در حال حاضر بیش از هر زمان دیگری در دوران معاصر مورد پرسش قرار می گیرد. چنین روندی نگران کننده می باشد. همچنین بنظر می آید، مردم معتقدند که رهبران نظامی و رزمندگان تحت فرمان مستقیم آنان بیشترین اثربخشی و تأثیرگذاری بر رفتار پیکار جویان دارند. البته، باید اذعان داشت که اگرما خواهیم پاوربه قانون را تقویت نماییم، دولت ها باید از مجازات ناقضان آن اطمینان کافی حاصل نمایند.

درباره کنفرانس و نشستی که مدتی قبل در دوشنبه در مورد کشورما بکارش آغاز نمود، دکتوران معالج به منظور تدای و نجات مریض مورد نظر از درگیری های مسلحانه و جلوگیری از ویرانی بیشتر، دستورالعمل های متفاوت و جداگانه ای را مطرح بحث قرار دادند. کنفرانس وزرای امور خارجه "قلب آسیا، پروسه ستانبول" از تاریخ ۲۹ - ۳۰ ماه مارچ سال روان در قالب نیمه مجازی تدویر یافت. در کنفرانس یاد شده در مقایسه با کنفرانس ۱۸ مارچ مسکو در مورد افغانستان، بیشترین کشورها نماینده فرستاده بودند. بگفته بسیاری از ناظران امور مربوط به کشورما، نماینده های کشورهای تأثیرگذار بر طرف های درگیر در قضایای افغانستان مانند ایالات متحده، فدراسیون روسیه، چین و پاکستان که از قبل بگونه مستقیمی تحت تأثیر اوضاع کشورما قرار گرفته و آماده مشارکت و سهمگیری در حل و فصل منازعه یاد شده در کشورما می باشند، در کار کنفرانس یاد شده شرکت ورزیدند. شرکت کننده های ابتکار یاد شده، در برگیرنده کشورهای فدراسیون روسیه، آذربایجان، هند، ایران، قزاقستان، قرغیزستان، چین، امارات متحده عربی، پاکستان، عربستان سعودی، تاجیکستان، ترکمنستان و همچنان تعدادی از بازیکنان خارجی قضایای کشورما و برخی از سازمان های بین المللی می گردید. همانگونه که امام علی رحمان، رئیس جمهوری تاجیکستان بمثابة میزبان کنفرانس یاد شده بدرستی اظهار نمود که "موجودیت مشترکات فرهنگی، اعتقادی و حتا زبانی و خونی سبب میگردد تا بحران افغانستان بمثابة معضله مشترک پنداشته شود". به بسیار سادگی یادآور باید شد که با واقع شدن کشور عزیزما افغانستان در مرکز (قلب) آسیا، اوضاع عمومی، بگونه کلی در مجموعه منطقه ما به چگونگی وضعیت سلامت کشورما بستگی

دارد. در نشست یادشده خاطر نشان گردید که هسته های "داعش" قبل از آنکه وسعت یافته و در جامعه ریشه دواند، باید شناسایی شده و اقدامات و تدابیر معینی در مورد باید انجام پذیرد.

با انکشاف قضایا و در نظر داشت چگونگی وضعیت در داخل کشور، بگونه جدی باید متوجه هسته گذاری های "دولت اسلامی" در کشور شد. قابل یاددهانی پنداشته می شود که تهدید "داعش" در کشور ما همچنان حفظ گر دیده است. اما وضعیت بمفهوم وسیع کلمه توسط عده ای از کشورها از نزدیک تحت نظارت می باشد. اما نبا ید فراموش نمود که هرگونه معضله و مشکلی از قبیل واقعیت های یادشده، از جمله مسأله موجودیت و گسترش هسته های "داعش" در کشور ما نه تنها بگونه جدی تهدیدی علیه کشور ما خواهد بود، بلکه بنحوی از انحاء بمتناهی تهدید صلح و امنیت بین المللی نیز پنداشته شده و بگونه دستجمعی با اقدامات عملی و مؤثری در زمینه باید اقدام نمود. باید یادآور شد که "داعش" تاکنون بر بخش های نظامی - سیاسی کشور ما مسلط نمی باشد، اما بدلیل نبود و فقدان چنین مفکوره ای در مجموعه "طالب" ها، ممکن منجر بایجاد سردرگمی هایی در مورد گردد. همچنین نباید فراموش خاطر ما گردد که مسأله گفته آمده در بالا، بمتناهی یکی از کلیدی ترین وظایف حکومت وحدت ملی در کشور محسوب می گردد.

بسیاریها پرسش هایی را درباره مذاکرات میان افغانی مطرح بحث قرارداد و یادآوری می شوند که آیا گفتگوها و مذاکراتی که مدت زمان شش ماه بدرازا کشید، می توان آن را بمتناهی مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی محسوب نمود؟

یادآور باید شد که آیا اصل بهبود قلب و معالجه بیماری بگونه کلی با عقب نشینی نظامیان امریکایی و تشکیل دولت ائتلافی با مشارکت "طالب" ها امکان پذیر می باشد؟ اما بخاطر باید داشت که پرسش عمده در اینمورد، چگونگی تطبیق عملی طرح یادشده می باشد.

همه، در مجموع باین واقعیت معترف می باشند که واشنگتن در امر فراخواندن نظامیان ایالات متحده، عجله نمی نماید. با چنین وضعیتی، هدف کشور یادشده در مورد، از چه قرار بوده و بر چه بنیادی استوار می باشد؟ کارشناسان، پرسشی را باین شرح مطرح می نمایند که چرا ایالات متحده در امر فراخواندن نظامیان آن کشور تعطل می ورزد، آنها همچنان در این زمینه یادآور میشوند که ایالات متحده با نگهداشتن نظامیانش در سرزمین کشور ما، در صدد حفظ و تداوم تأثیرگذاری و اثربخشی بر آسیای مرکزی و همچنان در صدد مهار روسیه و چین می باشد.

از آنجایی که ایالات متحده پایگاهش را در آسیای میانه از دست می دهد، در چنین وضعیتی، در صدد اثربخشی در کشورهای همجوار سینکیانگ چین می باشد. وضعیت اینچینی، بخودی خود نگرانی ستراتیژیست های سی. آی. ای را بگونه ای ببار آورده است، زیرا نقض یکپارچگی چین بمتناهی هدف نهایی ایالات متحده محسوب می گردد.

بر بنیاد اظهارات و گفته های مبصر پیشین سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده، واشنگتن ممکن برنامه همکاری با "طالب" ها را تدوین نموده تا از این طریق روسیه را هم تحت فشار قرار داده و هم آنرا یکجا با چین از دسترسی به بازار انرژی محروم نماید. ایالات متحده همچنان در صدد جستجوی متحدین بیشتر در جنوب فدراسیون روسیه نیز می باشد. موجودیت قوت های نظامی ایالات متحده در افغانستان، بآن کشور اجازه خواهد داد تا بر "طالب" ها فشارهای مورد نظرش را وارد نماید.

باید خاطر نشان گردد که بتاريخ ۲۹ - ۳۰ ماه مارچ سال روان، دوشنبه مهماندار ملاقات ۹ تن از وزیران "قلب آسیا - پروسس ستانبول" بود که در کارآن اشرف غنی نیز شرکت ورزید. کارکنفرانس توسط رؤسای جمهور افغانستان و تاجیکستان افتتاح گردید. گردهمایی یادشده بابتکار مشترک افغانستان و ترکیه سازماندهی گردیده بود. نخستین کنفرانس در مورد یادشده در ماه نوامبر سال ۲۰۱۱ در ستانبول گشایش یافت. "قلب آسیا" از نقطه نظر ستراتیژیک بمتناهی بستری بمنظور بحث و گفتگو پیرامون مسایل مربوط به همکاری های منطقه ای، بویژه در عرصه های سیاسی، اقتصادی و امنیتی پنداشته می شد. در گردهمایی یادشده، بتعداد ۱۵ کشور نماینده فرستادند که می توان در مورد یادشده از جمهوری اسلامی افغانستان، ترکیه، تاجیکستان، ایران، پاکستان، هند، چین، روسیه، عربستان سعودی، امارات متحده عرب، آذربایجان، قزاقستان، قرغیزستان، ترکمنستان و ازبکستان نامبرد. بر علاوه بتعداد ۱۶ کشور کمک کننده، از جمله بگونه نمونه، ایالات متحده، آلمان، انگلستان، جاپان و فرانسه و همچنان سازمان های منطقه ای و بین المللی در کارآن شرکت ورزیدند.

در اعلامیه مشترک منتشر شده، از موارد ۳۰ گانه که عمدتاً در برگیرنده همکاریهای منطقوی، مسأله مهاجران، اتحادیه‌های دوجانبه اقتصادی می باشد، نیز یادآوری بعمل آمد. شرکت کننده های نشست یاد شده بر اهمیت تحکیم اعتماد منطقوی نیز تأکید ورزیدند. در اعلامیه یاد شده تذکر بعمل آمده که کشورهای شرکت کننده، تلاش ها بمنظور تداوم پیرویه مصالحه و تداوم مذاکرات و گفتگوهای میان جمهوری اسلامی افغانستان و "طالب" ها را مورد پشتیبانی قرار می دهند.

شرکت کننده های نشست یاد شده همچنان متذکر گردیدند که سراسر منطقه و جامعه جهانی بمتابیه یک کُل، علاقمند ثبات و امنیت در سراسر اراضی متعلق با افغانستان بوده و در این زمینه، همه بگونه مشترک جوابگو می باشند.

در اینجا از مواردی تذکر بعمل می آید که به آنها بگونه منحصر بفردی باید توجه و دقت صورت گیرد. از جمله چنانچه "قطع همه جانبه و همیشگی آتش درگیری"، همه طرف های درگیر را باید ملزم به پذیرش توافقنامه ای بمتابیه توافق بمنظور حل و فصل سیاسی قضایای کشور نماید. همچنان یادآوری بعمل میآید که هرگونه حل و فصل سیاسی قضایای موجود، باید در برگیرنده دفاع از حقوق همه شهروندان کشور، بشمول حقوق و آزادی های زنان، جوانان و اقلیت های موجود در کشور بوده و همچنان شهروندان کشور را از توان حفظ و بسط و گسترش و تحکیم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و دستاوردهای حاصله پس از سال ۲۰۰۱ برخوردار می باشند. شرکت کننده ها همه باین واقعیت معترف اند که سطح بلند خشونت، همچنان در افغانستان ادامه داشته و از اجرای حملات دهشت افکنان و "طالب" ها بر شهروندان ملکی، خبرنگاران، فعالان اجتماعی، گروه های مدافع حقوق بشر باید ابراز نگرانی نمود. همچنان یادآور باید شد که همه ی ما افغان ها، خواهان قطع فوری آتش جنگ و درگیری و تداوم مذاکرات و گفتگوهای سازنده میان افغانی می باشیم.

نباید از تداوم روابط و مناسبات "طالب" ها با گروه های بین المللی تروریستی، بشمول "القاعده"، چشم پوشی بعمل آید. سرزمین و اراضی کشور عزیز ما افغانستان نباید به پناهگاه و محل تنظیم و اجرای عملیات خرابکارانه تروریستی دهشت افکنان مبدل گردد. علاوه بر آن، برای دفاع از حاکمیت و استقلال کشور، بویژه در عرصه تقویت امکانات نظامی و حربی بمنظور تأمین امنیت در کشور و مقابله با تروریسم بین المللی نیز باید اهمیت داد. نباید فراموش نمود که تولید غیرقانونی مواد مخدر در کشور و تجارت گسترده این مواد کشنده نگرانی های بی شماری را بویژه در جامعه افغانی ببار آورده است. در مورد ریشه کن کردن کشت و زرع کوکنار و قاچاق مواد مخدر، باید اقدامات قاطع و جدی بعمل آید تا مبالغ بدست آمده از تجارت غیرقانونی مواد مخدر، بیش از این، سبب تداوم جنگ و درگیری های مسلحانه در کشور نگردد. از جانب دیگر، از مبالغ حاصله از این تجارت مرگبار، سازمان های ضد دولتی و گروه های تروریستی در افغانستان و سراسر منطقه تغذیه و تقویه می گردند.

در مورد واکنش ها در باره کنفرانس یاد شده باید علاوه نمود که در اصول، اعلامیه دوشنبه را می توان به طرقداری از کابل پنداشت. اعلامیه نشست یاد شده، بیشتر از همه در تطابق با آرزومندی های ارگ و در نوع خود بمتابیه ادامه روند دوحه پنداشته شده کاز جمله قطع آتش تا تفاهم در مورد توافق ملی، ضرورت دفاع از دستاوردهای افغانستان در امتداد مدت زمان دودهه پسین را در دستور روز قرار می دهد. بدنبال آن، شرکت کننده های "قلب آسیا"، "طالب" ها را متهم به انجام و اجرای قتل های هدفمند و ازدیاد خشونت نمودند.

اعلامیه یاد شده بخوبی و وضاحت کامل، بازگوی اجماع منطقوی بویژه از جانب کابل محسوب گردیده که در نتیجه هم ریاست جمهوری و هم دستگاه دیپلوماسی کشور، نشست و گردهمایی دوشنبه را بمتابیه یکی از مؤثرترین و مؤفانانه ترین نشست منطقوی نامیدند.

همچنان، ابراز نظرهایی بر این بنیاد نیز صورت می گیرد که شاید اجلاس دوشنبه، تهدید دیگری را که متوجه اتمر بود، بر طرف کرده باشد. چه پس از آنکه مسعود اندرابی از پست وزارت امور داخله برکنار گردید، میان غنی و عبدالله اختلافات بیش از هر زمان دیگر تشدید گردید. بخاطر داریم که بر بنیاد تفاهمنامه پیشین، تعیین و گزینش اعضای کابینه، بگونه پنجاه درصدی میان اشرف غنی و عبدالله تقسیم و اندرابی از مجموعه سهمیه عبدالله به پست وزارت امور داخله برگزیده شده بود. خودی ها تأیید می نمایند که تجارت در مورد یاد شده همچنان ادامه دارد. در این مورد شخص فضلی و حمدالله محب، تاکنون چندین مراتبه بدفتر عبدالله حضور بهم رسانیده اند.

اما بسیاری ها معتقدند که در نشست یاد شده، اصل دستیابی به سازش و توافق منطقوی از قوه بفعل مبدل نگر

دید و اما از گردهمایی یادشده می توان بمتابۀ پلتفرم سیاسی بمنظور حل و فصل برخی از مسایل منطقی، حد اعظمی استفادۀ را نمود. بر بنیاد برخی از ابراز نظرها، مسأله یادشده بمتابۀ یکی از اهداف اعلام شده "قلب آسیا"، بندرت از قوه بفعول مبدل گردید، چه، چند پارچگی سیاسی در مجموعه منطقه و عدم اعتماد قبلی همچنان به موجودیتش ادامه داد. عده ای هم کنفرانس دوشنبه را بمتابۀ یکی از رویدادهای قابل ذکر نامیدند. منابع مطلع تأیید می نمایند که غنی درصدد حفظ موقعیت خود و معاونش الی انتخابات جدید می باشد. اما با عقاید برخی ها، موضع اینچنینی نامبرده، مورد تأیید احزاب سیاسی قرار نخواهد گرفت و "طالب" ها نیز با چنین موضعگیری مخالفت شان را ابراز خواهند نمود. اما نماینده آنها در دوحه متوجه گردید که شهروندان کشور، بیش از پیش باورشان را باصل انتخابات از دست داده اند. نماینده ویژه آنها در دوحه اظهار نمود که بر بنیاد دساتیر دینی و مذهبی، آنها اصل ایجاد و تشکیل سیستم جدید سیاسی و اصل انتخابات را مورد بحث و گفتگو قرار داده و در نتیجه اظهار نمودند که نزد آنها، انتخابات بمتابۀ یگانه وسیله تشکیل دولت محسوب نمی گردد.

قابل یادمانی پنداشته می شود که شورای عالی مصالحه ملی نیز برنامه منحصر بفردش را دارد. اما تاکنون به تعداد ۳۰ طرح صلح بشورای یادشده سپرده شده که مورد بحث و گفتگو قرار داده خواهد شد. همچنین، سیاستمداران غیر وابسته بارگ نیز رویکردهای خودشان را داشته و اما این مسأله را نیز باید یادآور شد که اعضای هیأت افغانی باید با اجندای واحدی در کار کنفرانس ستانبول شرکت ورزند.

همچنان "جاده ابریشم" واصل همکاری کشورما با جمهوری های آسیای میانه نیز در جریان کار کنفرانس یاد شده مورد بحث و گفتگو قرار داده شد. مناسبات نیک و حسنه میان حکومت های یادشده، یکی از جمله مسایل حیاتی در منطقه محسوب می گردد. کنفرانس، شرکت کننده ها را در امر تطبیق برنامه های مهم در عرصه زیر ساخت های کشورما فراخواند. کشورهای آسیای مرکزی که بمتابۀ بازی کنان ژئوپولیتیکی دست اول پنداشته نشده و به یقین که بر سیاست های کابل اصلن نمی توانند تأثیرگذار باشند. اما بکمک سرمایه گذاری ها و یا حضور فعال نظامی، بمقایسه سایر کشورها می توانند در امر ثبات و امنیت کشور مفید و مؤثر واقع گردند. چه، آنها بیشتر از سایرین در امر تأمین امنیت و ثبات در کشورما ذینفع بوده و همچنان مسیر دهلیز انتقالی کازارا ضی کشورما عبور می نماید، امکانات وسیع جهانی رشد و تکامل برای کشورهای آسیای مرکزی را فراهم می نماید.

بایست متذکر گردید که بزودترین فرصت یعنی بتاریخ ۱۶ ماه اپریل (۲۷ ماه حمل)، کنفرانس در مورد کشورما در ستانبول برگزار شده و مدت ده روز بکارش ادامه خواهد داد. در پایان هفته پسین، اطلاعاتی در مورد کنفرانس یادشده تحت سرپرستی سازمان ملل در مورد افغانستان بنشر رسید.

ممکن وبگمان اغلب که در نتیجه ملاقات و گفتگوها در کنفرانس یادشده، برخی موفقیت ها نیز بدست آید. چه در غیر آن چنین گردهمایی ها بمنظور هیچ برگزار گردیده و بی مفهوم تلقی خواهد گردید.

در امتداد هفته پسین، فرستاده ویژه ایالات متحده برای افغانستان، با شرکت کننده های پروسه یادشده ملاقات و گفتگو نمود، نامبرده به ترکیه پرواز نموده و در آنجا در مورد مشخصات و کارکردهای کنفرانس ستانبول به رایزنی پرداخته و در آنجا با مارشال دوستم که دو هفته قبل با جار و جنجال هایی کنفرانس مسکو را ترک کرد، نیز ملاقات نمود. همپنان یادآوری بعمل آمد که ملاقات با نماینده ویژه ایالات متحده در ترکیه، عمدتاً بمنظور وحدت دیدگاهها برای کنفرانس ستانبول صورت گرفت.

قرار اطلاعات منابع نزدیک به "طالب" ها، ایالات متحده از آنها تقاضاً بعمل آورده تا مدت زمان شش ماهه موعد فراخواندن نظامیان آن کشور از افغانستان از ۶ به ۹ ماه تمدید حاصل نماید. "طالب" ها تاکنون در مورد، پاسخی ارائه ننموده اند، اما بر بنیاد برخی از آمار و ارقام بنشر رسیده، "طالب" ها قبل از آغاز بکار مذاکرات و گفتگوهای انقره، خواستار رهایی ۷۰۰۰ تن زندانیان آنها از زندان های کشور و همچنان خواهان حذف نام های رهبران شان از فهرست تحریم های سازمان ملل گردیده اند. بخاطر داریم که بر بنیاد توافق و تعامل ایالات متحده با "طالب" ها در امتداد سال ۲۰۲۰، فراخواندن نظامیان امریکایی الی اول ماه می سالروان پیشبینی گردیده بود، اما رئیس جمهور بایدن متذکر گردید که موضوع یادشده بدلائل تخنیکی امر دشوار و غیر عملی پنداشته می شود. شرط اولیه آغاز مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی، رهایی ۵۰۰۰ از زندانیان "طالب" ها از زندان های کشور اعلام گردید که جانب کابل آنرا عملی نمود. اما تاکنون هم، ریاست جمهوری کشورما رهایی

۷۰۰۰ زندانی باقیمانده آنها از زندان های افغانستان موافقت ننموده، چه استدلال می گردد که تعداد رها شده های قبلی، مجددن به تداوم نبردهای مسلحانه علیه قوت های دولتی و انجام انتحار و انفجار متوسل گردیدند. مسکو اعلام نمود که واشنگتن بگونه عمدی و قصدی، اصل عقب نشینی و فراخواندن نظامیان امریکایی از افغانستان را به تأخیر انداخته و دلیل آنرا بگونه مشخص، نگرانی از توان دفاع مستقلانه دولت و قوت های مسلح دولتی در کشور ما میندازد. در امتداد ۲۰ سال موجودیت قوت های نظامی ایالات متحده و ناتو در کشور با هزینه نمودن میلیاردها دالر، باز هم موفق نگردیدند و یا نخواستند تا توانمندی های قوت های مسلح کشور ما را ارتقا دهند.

خودی هایی که در ارتباط نزدیک با پروسه ملاقات و گفتگوهای دوحه می باشند، تأیید نموده اند که طرح خواسته های ایالات متحده در مورد امتداد مدت زمان فراخواندن نظامیان آن کشور از افغانستان، مشروط به تقاضای طرف مقابل در مورد تطبیق و اجرای عملی توافقنامه بدست آمده در دوحه، از جمله رهایی زندانیان باقیمانده آنها از زندان گردید.

یادآور باید شد که در پروسه گفتگوها، نظامیان ایالات متحده نیز سهمیم گردیدند. سکات میلر، فرمانده نظامیان امریکایی در کشور ما، در امتداد هفته پسین با اعضای هیأت افغانی ملاقات نمود. ممکن جنرال نامبرده با نماینده های "طالب" ها نیز دیدارها و ملاقات هایی را انجام داده باشد، اما تاکنون منابع رسمی در مورد یادشده اطلاعی را بنشر نسروده اند.

ترکیه در مورد آمادگی های کنفرانس انقره با جانب رهبری جمهوری اسلامی افغانستان به رأی گیری هایی پرداخت. خاطر نشان می گردد که بسیاری از بازیکنان منطقی، ملاقات و نشست ستانبول را بمثابة گام نهایی در مجموعه پروسه صلح و اقدام مهمی در عرصه اعاده صلح و تأمین امنیت در کشور نپنداشته، اما همه شرکت کننده ها، آنرا بحیث گامی مؤثر در مسیر آغاز شده صلح در کشور می پندارند.

بایست اظهار نمود که ما به یک "صلح مضاعف" - یعنی به صلح در داخل و اطراف افغانستان نیاز داریم. باید بمنظور ایجاد و پی ریزی حاکمیت فراگیر در کشور تلاش بخرج داد تا قادر به رفع و زدودن عواقب درگیری های چندین دهه در میهن عزیز خویش گردیم. تأکید می نمایم که ما بمنظور استقرار و پایه گذاری حاکمیت فراگیر و افغانستان شمول باید متعهد و وفادار باشیم. مأمول فوق در صورت سهمگیری مشترک همه طرف ها و جناح های مطرح امکان پذیر محسوب می گردد.

جالب است که در زمینه یادشده، از جانب کابل اعلامیه هایی بنشر سپرده می شود که در نوع خود، نه بمنظور مهیا نمودن شرایط تدویر کنفرانس ستانبول بلکه برعکس، عدم توافق ارگ به سازش بوده و چنین تصویری گردد که کابل در صدد تحریک اسلام آباد در جهت حفظ مناسبات سنتی آن کشور با "طالب" ها می باشد. بدینگونه، بتاريخ ۳۰ ماه مارچ سال روان، منابعی در امنیت ملی کشور اظهار نمودند که سازمانهای استخباراتی پاکستان، فرماندهان "طالب" ها و والی های در سایه آنها و جنگجویان موجود آنها در پشاور را بمنظور آمادگی های جنگی فراخواندند.

در مورد ارتباط ها و مناسبات "طالب" ها با "القاعده" بایست متذکر گردید که در امتداد هفته پسین با انجام عملیات قوت های امنیتی و دفاعی کشور در ولایت شرقی پکتیا، یکی از جمله اعضای کلیدی "القاعده" و دولت بیک تاجیک و همچنان ابو محمد التاجیکی و همراه با آن، حضرت علی، یکی از فرماندهان جنگجویان "القاعده" کشته شدند. همچنان در نتیجه انجام عملیاتی در ولایتهای لوگر، ذابل و غزنی، عده ای از خارجیها که یکجا با "القاعده" در امور تعلیم و تربیه جنگجویان و در اقدامات مسلحانه شرکت می ورزیدند، نیز از صحنه نبرد خارج گردیدند. در نهایت نبشته حاضر، باید یادآور شد که با نزدیک شدن نشست ترکیه در مورد صلح کشور، نماینده سازمان ملل در کابل، نامه آن سازمان را با محتوای صلح به هیأت های مذاکراتی جمهوری اسلامی افغانستان و "طالب" ها شریک ساخته است که در برگیرنده موارد ذیل می باشد:

- آتش بس؛

- حکومت مشارکتی و انتقالی؛

- برگزاری انتخابات؛

- حفظ دستاوردهای دودهه پسین، حقوق زنان، حقوق اقلیت ها و آزادی بیان.

یکشنبه ۲۲ ماه حمل سال ۱۴۰۰ خورشیدی